

متن پرسش

در باب رسانه و جایگاه آن. سؤال: با توجه به نقش رسانه و تأثیر آن چه راهکاری دارید که ما بتوانیم از رسانه و استعدادی که دارد، استفاده کنیم ولی گرفتار انحرافات آن نگردیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! آگاهی از جایگاه رسانه برای جبهه انقلاب، فراتر از یک انتخاب، یک ضرورت تاریخی است. ولی مسئله بنیادین این جاست که توجه داشته باشید ما عموماً در فضای «تکنیک غربی» تنفس می‌کنیم که دارای سیطره و هیمنه خاص خود است. اگر فعالیت رسانه‌ای با تأمل عمیق فکری همراه نباشد، فعالان این حوزه علی‌رغم تسلط بر فنون و ابزارهای تولید محتوا، ناخواسته در پازل رقیب بازی کرده و در «پرتگاه» هویت‌زدایی سقوط خواهند کرد و با توجه به این‌که رسانه در ذات خود پیچیدگی‌هایی دارد که اگر به درستی درک نشود، عملاً به نام مبارزه با رسانه در مسیری قرار می‌گیریم که رسانه به دنبال آن است. در حالی‌که چالش اصلی، تقابل میان «جهانی که رسانه می‌سازد» و «جهانی است که خداوند بر بستر سنت‌ها بنا نهاده است». رسانه‌های مدرن بر پایه مدیریت اراده‌های بشری، جهانی در راستای توهمات بشری خلق می‌کنند؛ اما در اندیشه اسلامی، رسالت رسانه توجه به جهانی است که خداوند ساخته است و تفاوت ماهوی میان رسالت پیامبر اکرم «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و رویکرد ابوسفیان در مفهوم «تغییر جهان» نهفته است. ابوسفیان نماد تمدنی پیچیده بر بنیاد جاهلیت بود که حتی در قالب «سقیفه» و با پوسته‌ای از شعائر دینی (همچون نماز) بازتولید شد؛ جهانی که در آن اراده‌های بشری بر جایگاه حق تکیه می‌زنند، در حالی‌که اسلام و دنقلاب اسلامی در این تاریخ، مخاطب را به سوی «سنن الهی» سوق می‌دهد. این همان مرز باریک میان «تفکر انقلابی» و نگاه‌های «ظاهرگرایانه» مانند جریان حجتیه است که آینده را صرفاً در تغییر صورتی حاکمان می‌بینند، نه در استقرار انسانیت ذیل توحید. رسانه نباید ابزاری برای سرگرمی صرف یا تشدید تنش‌های بی‌حاصل باشد. هدف غایی، ارائه یک «سیره» یا «سبک حیات» قدسی است که در آن «حضور در سنت‌های الهی جاری در هستی» تجربه شود. ولی برنامه‌هایی که صرفاً به دنبال مشغول‌سازی مخاطب هستند - حتی با تغییر ظاهر مجری از بی‌حجاب به باحجاب - همچنان در ساحت جهان مدرن باقی مانده‌اند؛ چرا که جهان مدرن برای پوشاندن پوچی ذاتی خود، ناگزیر از «مشغول‌سازی» مداوم انسان است. مواجهه با فضای مجازی به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر از مبارزه با بت‌پرستی در صدر اسلام است. برای عبور از این بحران، بازگشت به «تفسیر المیزان» به عنوان یک

ضرورت استراتژیک مطرح می‌شود. علامه طباطبایی در این اثر، قرائتی از دین ارائه می‌دهند که بر حضور در «سنن لایتغیر الهی» استوار است. در صورتی که بدون تکیه بر آن مبانی نظری، حتی ممکن است فعالیت‌های کثیر رسانه‌ای رفقا به سلبریتی‌زدگی و استحاله در فرهنگ جهانی منتهی شود؛ اگر ذیل سنت‌های الهی خود را قرار ندهیم و بر مبنای آن سنت‌ها کار را دنبال نماییم. راز آرامش و اقتدار امام خمینی و رهبری شهید «رضوان‌الله تعالی علیهما»، زیستن در افق سنت‌های الهی و داشتن «نگاه تاریخی» به پدیده‌هاست. فعالیت رسانه‌ای زمانی ارزشمند و «عبادی» خواهد بود که در ذیل تاریخ آغاز شده با انقلاب اسلامی و در جهت ظهور انسان کامل معنا شود. فعالان رسانه‌ای باید متوجه باشند که آیا در تاریخ جدیدی که با انقلاب اسلامی و حضور تمدنی آن پیش آمده، تنفس می‌کنند، یا همچنان در اسارت زمان‌پریشی جهان مدرن هستند؟ تنها با این خودآگاهی تاریخی است که می‌توان از دام چاله‌های رسانه‌ای عبور کرد و به سوی حقیقت رهنمون شد، که این اول بحث است در سلسله بحث‌های «شهادت رهبری و تقابل جهان «سنت» با جهان ساختگی «رسانه»، در این بعثت تاریخی» عرایضی در این مورد شده که خوب است به آن مباحث رجوع شود.

<https://lobolmizan.ir/special-post/۱۷۷۱?mark=%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%A۷%D۸%AF%D۸%AA%۲۰%D۸%B۱%D۹%۸۷%D۸%A۸%D۸%B۱%DB%۸C#sound-row-۵۸۸۶> این‌جا

است که باید به هستی‌شناسی رسانه در افق انقلاب اسلامی نظر کرد و متوجه تقابل «سنن الهی» و «تکنیک مدرن» بود تا در رابطه با بحران تکنیک، ضرورت تأمل معرفتی در جبهه فرهنگی بیش از پیش جدی گردد. موفق باشید